

امام علی (علیه السلام)

و خوارج

www.ketab.ir

مؤلف:

محمد پور محمد

مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه

سر شتاب

- 1st F. nato nato, e

عنوان و نام پدیدآور

امام علی (علیہ السلام) و خوارج / مولف محمد یور محمد

مشخصات نشر

بایل: نشر مبعث، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

١٨٥ ص

شایک

978-600-5356-53-3 : 16, 1.....

وضعیت فهرست نویسی

فا

یادداشت

کتابنامه: ص. [۱۸۴] - ۱۸۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

موضوع

Imam I, 600-661 Ali ibn abi-Talib'

موضوع

خوارچ

موضوع

Kharijites

روده بندی کنگره

BP۲۴۲/۸ الف ۱۳۹.

رودہ بندی دیوے

20/4

شماره کتابشناسی ملی

$$F_2 = \frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$$


انتخابات مبعوث

شناسنامه

عنوان: امام علي (عليه السلام) و خوارزم

مؤلف: محمد یور محمد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۵۶-۵۳-۳

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحه: ۱۸۵ ص

آدرس ناشر: مازندران، بابل، میدان آستانه امامزاده قاسم (ع) ساختمان نوین طبقه دوم تلفن

فکس ۰۱۱-۳۲۲۰۳۰۱۶ همراه ۰۹۱۱۱۱۵۴۲۹ پست الکترونیکی ناشر:

abdolahi mabas@yahoo.com

۱۱	 مقدمه
۱۹	 پیشگفتار

فصل او

۲۳	 بخش او: بررسی دوران زندگی آن حضرت
----	---

۲۵	 ۱- دوره‌ی اول (دوران سازندگی فردی)
۳۰	 ۲- دوره‌ی دوم (دوران چشم‌پوشی از حق خود)
۳۱	 چرا علی سکوت کرد؟
۳۴	 اقدامات حضرت در دوران سکوت و راه‌گیری
۳۵	 ۳- دوره‌ی سوم (دوران فرمانروایی صدری)
۳۷	 چرا امام(ع) از بیعت با مردم استنکاف کرد و بعد پذیرفت؟

۴۱	 بخش دوم: آغاز مشکلات برای خلافت حضرت علی(ع)
----	---

۴۵	 ۱- مشکل قتل عثمان
۴۶	 ۲- مشکل علی(ع) در اجرای عدالت اقتصادی و نژادی و لغو امتیازات اجتماعی
۴۶	 ۳- مشکل علی(ع) در رابطه با برخورد با غارتگران بیت‌المال
۴۷	 ۴- مشکل علی(ع) در رابطه با عزل حاکمان فاسد و ظالم
۴۷	 ۵- مشکل علی(ع) در خصوص انحراف مردم جامعه از دین و سنت رسول‌الله(ص)
۴۸	 ۶- مشکل فساد داخلی

- ۴۸ ۷- مشکل جنگ‌های داخلی
- ۴۹ بخش سوم: بررسی جنگ‌های حضرت علی (ع)
- ۵۲ جنگ‌های علی در دوران ۵ سال خلافت
- ۵۲ ۱- جنگ جمل
- ۵۶ ۲- جنگ صفین
- ۶۱ ۳- جنگ نهروان

فصل دوم

- ۶۵ بخش چهارم: عشق و خوارچ
- ۶۷ معانی لغوی و اصطلاحی خوارچ
- ۶۷ ۱- معنای لغوی
- ۶۸ ۲- از نظر اصطلاحی
- ۶۹ نخستین چهره‌ی خوارچ
- ۷۱ رهبر و پایه‌گذار خوارچ
- ۷۲ هشدار رسول‌الله در مورد آینده‌ی خوارچ
- ۷۴ اگر من عادل نباشم چه کسی؟

- ۷۷ بخش پنجم: زمینه‌ی پیدایش خوارچ
- ۸۲ الف) سیاست قرآن بر سر نیزه کردن
- ۸۳ ب) کاربرد حربیه‌ی عوام فریبی
- ۸۴ ج) ماجرای حکمیت
- ۸۵ د) انتخاب نماینده

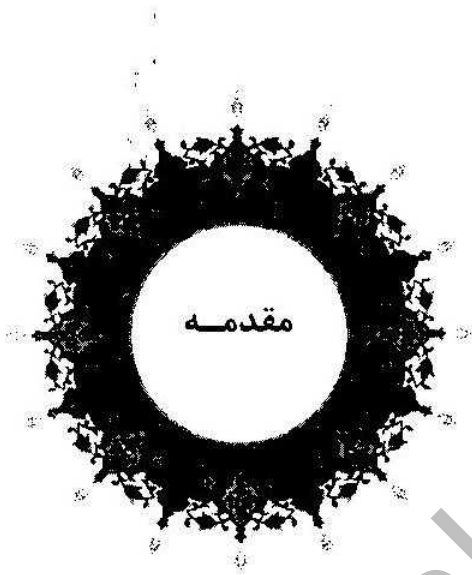
۵		ه) طرفین عهدنامه
۷		آغاز عصیان و طلوع شعار خوارج
۸		مذاکرات دو نماینده
۹		نتایج مذاکرات
۹		عکس العمل حکمیت و موضع گیری خوارج
۱		بازگشت سپاه به کوفه
۲		تصمیم آگاهانه خوارج
۳		عقائد خوارج
۴		عقیده خوارج در باب خلافت
۶		عقیده خوارج در باره ائمه
۷		سخن امام (ع) در مورد آلودگی خوارج
۸		شعار خوارج
۱		دموکراسی علی (ع)
۴		رفتار امام با خوارج
۷		بخش ششم: ویژگی ها و ممیزات خوارج
۹		۱- روحیه مبارزگری و فداکاری داشتند
۱۰		۲- ظواهر فریبنده و عبادت پیشه داشتند
۱۲		۳- خوارج مردمی جاهل و نادان بودند
۱۴		۴- خوارج مردمی تنگ نظر و کوتاه دید بودند
۱۷		۵- حمود فکری خوارج
۱۹		نمونه ای از جمود فکری خوارج
۲۲		اعتراضات خوارج نسبت به امام

- ۱- مسئله قبول دانستن حکمیت ۱۲۳
- ۲- به غنیمت نگرفتن اموال اصحاب جمل و اسیر نمودن آنها ۱۲۳
- ۳- حذف کلمه‌ی امیرالمؤمنین ۱۲۳
- مناظرات حضرت با خوارج ۱۲۴
- ۱- خاطره‌ی صفین را به یاد آورید ۱۲۴
- ۲- حکمیت براساس قرآن محترم است ۱۲۷
- ۳- سریت آنها را ملامت و سرزنش می‌کند ۱۳۰
- گفتگوی ابن عباس با خوارج ۱۳۳

فصل سوم

- بخش هفتم: اقدامات سیاسی و مخفی خوارج بر علیه امام ۱۳۷
- ۱- شایعه‌سازی علیه امام و اهانت به آن حضرت ۱۳۹
- ۲- ایجاد اختلال در نماز جماعت امام ۱۴۰
- ۳- اغتشاش و برهم‌زدن سخنرانی‌های امام ۱۴۲
- ۴- تهدید و ترور افراد و غارت و راهزنی اموال آنها ۱۴۲
- ۵- ترور عبدالله بن خباب ۱۴۳
- ۶- کشتن حارث بن مره نماینده امام ۱۴۸
- ۷- تشکیل جلسات مخفی برای مقابله با حکومت ۱۴۸
- فرار خوارج از کوفه به نهروان به قصد جنگ با امام ۱۵۰
- امام برای جنگ با معاویه خطبه می‌خواند ۱۵۰
- نامه حضرت امیرمؤمنان به خوارج ۱۵۲
- پاسخ خوارج ۱۵۲

۵۳.....	بخش هشتم: جنگ با معاویه یا خوارج؟
۵۸.....	جنگ نهروان
۶۲.....	علت جنگ با خوارج
۶۲.....	نهی امام از کشتن خوارج پس از خود
۶۵.....	پس از خوارج (عواقب وخیم جنگ نهروان)
۷۰.....	توطئه خوارج برای کشتن علی
۷۳.....	یاوران فرزد مرادی
۷۴.....	آخرین سببی امیرمؤمنان
۷۶.....	فاجعه‌ای که عالم‌سیر را عزادار کرد
۷۸.....	لزوم پیکار و مبارزه با نفاق و جمود
۸۳.....	منابع و مأخذ



مقدمه

درباره‌ی علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) سخن گفتن کاری است بس مشکل، آن شخصیتی را که دوست و دشمن به سبقت از سر اسلام، زحماتش در یاری دین و جهادش در جنگ‌ها و فضائلش و ... اعتراف دارند و نویسندگان و نویسندگان با کنکاش در تاریخ، زوایائی از زندگانی و اقدامات او را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و می‌دهند، اما هرگز کسی نتوانسته و نمی‌تواند ادعا کند که توانسته است تصویر جامع و گویائی در همه‌ی جوانب روحی، اخلاقی، سیاسی، زهد، عدالت‌طلبی، مظلوم‌دوستی، شیوه‌ی حکومت، برخورداری از علوم و معارف و ... او را بشناساند؛ زیرا او جامع اضداد است و مظهر علم و عدل خداوند و کلامش پس از کلام خدای متعال و پیغمبرش شیرترین و برترین کلام از همه لحاظ می‌باشد. فروتر از قرآن و فراتر از کلام بشر، با این حال اولین مظلوم است.

از هرحیث برتر از سایرین و مقدم بر دیگران و استحقاقش را در خلافت پیغمبر (ص) بیش از دیگران دانسته ولی در عین حال غاصبین حقش را غصب کرده و او اولین مظلوم تاریخ است.

تأخیر مقام علی (ع) در خلافت لطمه‌ای جبران ناپذیری به اسلام زد. لطمه‌ای که به نام دین رسول الله (ص) اولین حافظ دینش را سر شکافتند و فرزندش را ذبح کردند و ... که تا امروز این خسارت التیام نیافت و همچنان زخم‌دار در بستر تاریخ به پیش می‌رود، و هرگز التیام نخواهد یافت.

امام علی (ع) در زمان به خلافت رسید و رهبری حکومت اسلامی را پذیرفت که سنت رسول الله فراموش نشد، بود زیرا خلفاء در مدت بیست و چند سال بعد از رحلت پیامبر (ص) ده‌ها مورد اجتهاد در مقابل نص رسول الله (ص) در جامعه اسلامی رواج و بدان تبلیغ و عمل می‌کردند و دین اسلام از سنت رسول الله (ص) و بدخواه خود بخورد مسلمانان می‌دادند و حتی به رسول الله (ص) اهانت هم می‌کردند، و لذا است که امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای که برای مالک‌اشتر می‌نویسد می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ تَعَلَّ فِيهِ بِالْهَوَى، وَ تَطَلَّبَ بِهِ الدُّنْيَا.»^۱

«همانا این دین اسیر دست اشرار، به وسیله‌ی هوسرانی و دنیاطلبی گروهی بوده

است.»

و حضرت با مردمی روبرو بود که آن خلق و خوی روش دوره‌ی پیامبر (ص) را ترک کرده بودند و کمتر کسی در میان مسلمین یافت می‌شد که متمایل به دنیا نباشد.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۷۱، معروف به عهدنامه مالک‌اشتر.

اما او می‌خواست مردم را به روش سابق (زمان پیامبر(ص)) حمل کند، می‌خواست برخلاف جریان آب شنا کند، و این میسر نبود. علی‌الخصوص که بعضی از سران قوم با او بیعت نکرده بودند و اگر بیعت هم کردند کارشکنی می‌کردند. بزرگان مهاجر و انصار نیز از نرم‌خوئی و سستی و بذل و بخشش‌های عثمان سوءاستفاده کرده بودند، و دیگر این که در برابر حضرت حزب بنی‌امیه و در رأس آن‌ها معاویه است که طعم حکومت و ثروت و عزت را که عثمان به آن‌ها چشانده بود قرار داشتند و هرگز هم حاضر به کناره‌گیری از حکومت نبودند.

انام (ع) معتقد بود در رفتار و کردار مسلمین انحرافی حاصل شده و بذل و بخشش‌های عثمان به‌جا نبوده است به همین جهت عقیده داشت که باید اموال مسلمین را از کسانی که در آن مستحق یا بیش از استحقاق برده‌اند بازستاند اگرچه آن اموال را مهر زنان خود قرار داده یا کنی کانی خریده باشند.

او مرد حق بود و جز به احکام اسلام دستورهای قرآن کریم و روش پسندیده‌ی پیامبر اکرم(ص) توجه نداشت. او دین خالص را بر همه چیز ترجیح می‌داد، حق را هر قدر سنگین بود تحمل می‌کرد، جز به موقع به استحقاق نمی‌داد و اطاعت را با مال خریداری نمی‌کرد، و دوست نمی‌داشت امور مسلمین را بر پایه‌ی شوه قرار دهد.

او دین خود را بر هر چیز مقدم داشت، و نخواست جز از راهی که برای رسیدن به هدف داشت و عبارت از صراحت لهجه، حق، اخلاص، وفاداری، محبت و دوستی در راه خدا و مسلمین بود راه دیگری پیش گیرد، و تفاوت عمده‌ی او با سه خلیفه‌ی دیگر در همین بوده است. و همین نقطه اختلاف بود که برای او مخالفین بی‌شماری تهیه نمود و همین مخالفین او بودند که مدت چهار سال و اندی دوران خلافت او را صرف جنگ با ناکشین و قاسطین و مارقین نمودند.

و لذا است که ملاحظه می‌کنیم جمعی از بهترین یاران پیامبر (ص) را که در دوران آن حضرت زحماتی هم کشیده بودند، در گروه ناکثین قرار گرفته - مانند طلحه و زبیر - و با بی بصیرتی و دنیا طلبی از تبعیت و وفاداری از ولیّ امر مسلمین سرباز زدند و با حضرت اعلان جنگ داده و تهدیدی برای اصل نظام اسلامی شده بودند، حضرت آن‌ها را دفع کرد منتها قلباً راضی به این نبود که چنین بشود. و بعضی دیگر از یاران پیامبر (ص) را ملاحظه می‌کنیم که از شورش بر کنار مانده و از جنگ پرهیز کرده و نخواستند با اهل قاعه بجنگند، و با قومی که قائل «لا اله الا الله» هستند و شهادت به پیامبری محمد (ص) می‌دهند به جنگ بپردازند و حتی عده‌ای از این مردم بودند که شمشیرهای خود را شکستند، تا این که مجبور به جنگ با مسلمانان به همراه علی (ع) نباشند.

چون این‌ها بینش سیاسی نداشتند، زمانه‌ی شان را خوب نشناخته بودند و دارای یقین و قوه‌ی ایمان و عزم ثابت نبوده و پشت پایشان را می‌دیدند و افراد را ملاک حق می‌گرفتند، به جای این که از امام‌شان علی (ع) تبعیت کرده و در صورت سکوت، سکوت و در صورت قیام قیام کنند، به لغزش و تردید افتاد و او را با پیشی گرفتند و یا این که از او عقب ماندند که در هر دو حال به هلاکت افتادند.

بنابراین پیدا است که همراهی با دین خیلی وسعت بینش و شناخت دقیق می‌خواهد. شخصیت‌زدگی نباید داشت و میزان حال فعلی افراد است، و سوابق نیکو در گذشته موجب چشم‌پوشی از لغزش و تردید، یا احیاناً دشمنی فعلی نخواهد بود و اسلام و نظام اسلامی با هیچ کس و شخصی عقد خویشاوندی ندارد.

بر همین اساس است که خیلی‌ها که به‌نظر می‌رسید افراد موجهی باشند، توسط حضرت دفع و کنار گذاشته شدند. با نگاهی به ۵ سال خلافت حضرت در خواهیم یافت که حضرت از بدو تا ختم خلافت همه چیز بر او تحمیل شده بود.

علی (ع) خلافت را نمی‌پذیرفت و بارها به مردم گفته بود مرا معاف کنید، مرا بگذارید مشاور و وزیر باشم زیرا اگر چنین باشم بهتر از آن است که امیر شما باشم.

ولی قیام‌کنندگان بر عثمان او را تهدید کردند و مهاجرین و انصار هم به او اصرار نمودند، و هر وقتی خلافت را پذیرفت آشکارا در مسجد از آنان بیعت گرفت تا بهانه‌ی مخالفت را از دیگران بگیرد.

او هیچ‌وقت به رسم ۱۰ برای جنگ نبرد، بلکه برای اصلاح می‌برد ولی در بار اول طلحه و زبیر و عایشه بر او شورش و ترور در بصره او را ناچار به جنگ کردند و مردم کوفه هم اصرار به جنگ نمودند و هر دو طرف، جنگ را بر علی (ع) تحمیل کردند. دیگر این‌که حضرت براساس سنت رسول الله (ص) و به نص آن حضرت یا براساس بیعت مردم به‌عنوان خلیفه‌ی برگزیده‌ی مسلمین، حق داشت والی و استانداری را بر بلاد مسلمین منصوب نموده و استانداران و والیان فاسد را غیرمشرع را از مصدر کار و امور مسلمین عزل کند و به‌عنوان نماینده‌ی خود به رسم بی‌شناخت ولی معاویه سر سختی نشان می‌داد و به فکر جمع‌آوری نیرو به‌عنوان خون‌خواهی از میان برای جنگ آماده می‌شد، با این حال طبیعی است که امیرالمؤمنین (ع) باید در مقابل چنین فرد فاسدی که بزور و تهدید خود را نماینده او بداند و سرکشی هم می‌کرده با او مقابله کند و سر جایش بنشاند.

حال اگر معاویه حاضر به پذیرش عزل خود و کناره‌گیری از حکومت می‌شد و با حضرت اعلان جنگ نمی‌کرد، و اگر کوفیان را پیروزی بصره مغرور نکرده بود، علی (ع)

آن‌ها را برای جنگ با شامیان بسیج نمی‌کرد، پس سرسختی معاویه و اصرار یاران علی (ع) بود که جنگ صفین را نیز بر او تحمیل کردند.

همچنین علی (ع) در متارکه‌ی جنگ و قبول داوری و حکمیت نیز مجبور بود، زیرا اگر نمی‌پذیرفت احمقان و جمود فکran او را تهدید به قتل کرده یا این‌که او را اسیر گرفته با شامیان تحویل خواهند داد. و هم در رفتن به‌سوی نهراون نیز مجبور شد زیرا همراهانش رفتن مجدد به‌سوی شام را موکول به رفع غائله خوارج دانسته بودند. بنابراین نتیجه می‌شود که علی (ع):

۱- هم در جنگ مجبور بود؛

۲- هم در جنگ حق و حاکمیت و قبول متارکه جنگ و داوری مجبور بود؛

۳- و هم در رفتن به نهراون جنگ با خوارج مجبور بوده است.

با این حال آیا می‌شود گفت و به‌سوی نهراون خورده گرفت که او مردم کوفه را وادار به

آن جنگ‌های مهیب کرده است؟

علی (ع) پس از نهراون گرفتار سختی‌ها و دشواری‌هایی شد، محنتی که به منتهی درجه‌ی امکان، مشکل و آزار دهنده بود. او حق را واضح و روشن و آشکار مشاهده می‌کرد، و در یاران و همراهان خود هم آنقدر نیرو و مهارت می‌دید که با آن‌ها می‌توانست به حق برسد و آن را بر پا دارد، ولی وقتی آن‌ها را مشاهده می‌کرد که به حق توجه ندارند و او را یاری نمی‌دهند و دعوتش را اجابت نمی‌کنند و اطاعت امر نمی‌نمایند، و موعظه‌پذیر نیستند، زندگانی دنیوی را دوست دارند، و از مرگ روی گردانند سلامتی و آشتی را خواهان و از جنگ بیزارند، دشمنان دین به بلاد مسلمین حمله می‌کنند ولی آن‌ها تحرکی ندارند و آسایش خود را به بهای از بین رفتن مسلمانان و اسلام می‌خواهند و می‌دید دشمنان با این‌که باطل‌اند و در باطل بودن خود وحدت دارند و از

امیر باطل‌شان فرمان می‌برند، علی(ع) از این وضع رنج می‌برد، و اندوه و غم، قلب او را می‌فشرد، و هر لحظه از خداوند طلب مرگ می‌کرد و می‌فرمود: «به خدا دوست دارم که خدا مرا از بین شما بیرون ببرد و به‌سوی رحمت خویش بکشانند.»

حضرت دیگر از همراهی آن‌ها ناامید شد و به‌حدی که راویان روایت کرده‌اند، علی(ع) قرآنی را که به‌همراه داشت، بر سر نهاد و گفت: خداوند آن‌ها را به‌سوی مندرجات این قرآن خواندم و آنها، آن را از من دریغ داشتند. خداوند از آن‌ها بیزار شده‌ام و آن‌ها نیز از من بیزارند، بهتر از آن‌ها را به من بده و بدتر از مرا بهره‌ی آن‌ها گردان، دل‌های آن‌ها مانند نمک در آب حل کن.

این‌ها از یک‌طایفه کاشکی می‌کردند و آماده‌ی مقابله با دشمن نبودند و امام را تبعیت نمی‌کردند و از طرف دیگر امام را مسئول ناامنی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، و ... می‌دانستند، این بود که داریان خوارج از روی حماقت و کج‌فهمی؛ چون علی(ع) مسئول این نابسامانی‌های اجتماعی، ناامنی‌ها و آشوب‌ها و شورشهای داخلی است، پس به‌عنوان یک تکلیف الهی و برای اصلاح جامعه، این فرد باید از سر راه برداشته شود. که متأسفانه در خانه‌ی خدا - کعبه - بم قتل و متحد می‌شوند و تدارک نقشه شوم سوء قصد به جان حضرت را کرده تا فرزند اسلام و ولود کعبه و مظهر علم و عدل خدا را ترور کنند و از دم تیغ بگذارند، تا این‌که در سحرگاه نهم ماه مبارک رمضان در حال نماز در مسجد کوفه بر حضرت هجوم آورده و او را ترور نمودند و جامعه انسانی را برای همیشه از هدایت خورشید پرفروغ مولی‌الموحدین محروم نمودند.

اینجانب ضمن اعتراف به عجز و ناتوانی خود در بیان فضائل آن انسان کامل و مرد حق و حقیقت از حضور مقدس و متعالی آن حضرت عذر پوزش دارم.

کتاب حاضر گامی هر چند کوچک در جهت معرفی امام المتقین علی ابن ابیطالب (علیه السلام) با اشراف بر دوران پنج ساله حکومت آن حضرت و بد عهدی های نامردمان معاصرش، خصوصاً « واقعه برخورد خوارج با امام علی » (علیه السلام) و نقش مخرب تفکر جمود و تحجر و نفاق در ایجاد موانع و انحراف در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، می باشد.

این پژوهش شامل مقدمه و پیشگفتار و در سه بخش و هشت فصل تقدیم فرهیختگان و دانش پژوهان می شود. در مقدمه و پیشگفتار، در بیان آن امید است برای جامعه اسلامی ما عبرتی باشد و هدایتی بشود تا خط و ربطی در وجود جامعه را شناخته و با اعتقاد و یقین و ایمان به اسلام ناب محمدی (ص) در پایداری از آن، و در صفوف بهم فشرده و یکپارچه، و وحدت بخش در پیروی از ولایت مطهره و ولی امر مسلمین و رهبری انقلاب اسلامی با عزمی ثابت و استوار با صلابت و توفنده با بصیرت، زمان شناس، و حضور در صحنه و گوش بفرمان، همه توطئه های اجانب و شیطانی دنیاله های داخلی آنها را خنثی و از نظام مقدس اسلامی و کشور صاحب الزمان (عج) استعانی نموده، به وظایف ملی و اسلامی خود عمل نمائیم.

خداوند تبارک و تعالی را به خاطر هدایت در پیروی از ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) و نائب بر حق شان ولی امر مسلمین جهان و تألیف این اثر شاکریم.

والسلام

محمد پور محمد

نهم دی ماه ۱۳۹۵

مطابق با ۲۹ ربیع الاول ۱۴۳۸